

سیمای زن در خمسه نظامی (با نگاهی به فرهنگ و ادب کُردی)

امیر عزیزان^۱، خاور قربانی^۲، شهباز محسنی^۳

چکیده

نگرش متفاوت نظامی برخلاف شعرای زمانه خود به شخصیت زن می‌تواند از نکات بارز آثارش به حساب آید. او زن را در خصوصیات مردپسند محدود نکرده بلکه لایق اعطای مسؤولیت‌های مهم در سطح اجتماعی می‌دانست و برای زن نه پایین‌تر از مردان که جایگاهی والا متصور بود تا با بروز خصلت‌های متعالی خویش بر تصور عامه مبنی برضعف جنسیتی خط بطلان کشد. نظامی اندیشه و تفکرات زن را ارج می‌نهد و همین تفکر بیانگر نگرش روشن و عالی اوست که در کمتر شاعری می‌توان یافت. در این مقاله، توجه نظامی به زن و به عبارتی «زن‌مداری» در آثارش بررسی می‌شود و مجموعه‌ی خصایص برتر زن آرمانی در شعر وی با استناد به مثنوی‌های پنج‌گانه او، خصوصاً خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت‌پیکر، ارائه می‌گردد در مسیر این بررسی نیز نیم‌نگاهی به ادبیات و فرهنگ کُردی و جایگاه زن در ادبیات کُردی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، اشعار نظامی، منظومه‌های کُردی، جایگاه زن، ادبیات کُردی

^۱دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. a.azizan@iau-mahabad.ac.ir
^۲دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. (نویسنده مسؤول) ghorbanikhavar@yahoo.com
^۳استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. shahbazmohseni@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۰

مقدمه

تأثیر و تأثر فرهنگ‌های هم‌جوار در جامعه ادبی، مخصوصاً در فرهنگ‌هایی که دارای ریشه زبانی مشترک‌اند امری محسوس است، با شناخت منابع مؤثر بر یک شاهکار ادبی بر اهمیت والای آن دست می‌یابیم و بر مرجع تنومند ادبیات زبانی اشرافیت می‌یابیم و از این رهگذر نیز می‌توان نظری اجمالی بر آبخور ادبی آن انداخت. تأثیر و تأثر زبانی در شرایط متعادل و تعاملی موجب غنای فرهنگ و گستردگی افق زبانی است که پویایی و سیالی زبان را به دنبال دارد. چه تنها زبان‌ها و تمدن‌هایی مطرود و دورافتاده از این مقوله بدورند. بر همین اساس این سؤال مطرح است؛ که آیا آثار نظامی نیز در این حیطه قرار می‌گیرند و یا پدیده‌ای دیگرند؟ تاکنون در این باره کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر در آمده است که با نگاهی به آن‌ها در می‌یابیم که بسیاری از نظریات ارائه شده تا مرحله تأثیر شرایط جغرافیایی و منطقه‌ای گام برداشته ولی به دلیل عدم آشنایی آنان بر ادبیات کردی نارس مانده است: در خمسه نظامی، سیمای زنان زیادی دیده می‌شود که با تحلیل شخصیت و موقعیت آنان می‌توان به تأثیر جنس زن در خمسه دست یافت. نظامی در این منظومه‌ها بسیاری از ابعاد شخصیتی زن را به نمایش می‌گذارد. «زن در نقش‌های گوناگونی در خمسه ظاهر می‌شود و شاعر بر این حضور قوی تأکید دارد. گویا وی دارای نگرشی روشنفکرانه درباره زن است و حضور اجتماعی او را تأیید می‌کند؛ البته این نگرش روشن و انسانی از این جهت اهمیت دارد که در مقایسه با سایر شعرا و در چالش با فرهنگ مرد محور ایرانی پدیده‌ای نو و قابل توجه است.» (نوروزی ۱۳۸۷: ۱۷۶).

نظامی با توجه به آموزه‌های اخلاقی و فراگیری‌های منطقه‌ای نگرشی جدای از معاصران خود نسبت به زن داشته و دیدگاه اجتماعی خود را بر اساس تفکر شخصیت یافته او در جمع خانواده و جامعه در آثار خود منعکس می‌کند. زن در آثار وی نقشی برجسته و فعال دارد و به طرز بی‌سابقه‌ای شخصیتی والا به خود می‌گیرد. او در اجتماع دارای منزلتی خاص است که همین امر علت توجه خاص شاعر به اوست. «هرچند منظومه‌های نظامی آثاری هنری هستند و محصول ابتکار و خلاقیت شاعر و مصداق تاریخی دقیقی برای آن نمی‌توان یافت اما می‌تواند به‌عنوان یک اثر ادبی نشانگر سطح فرهنگی جامعه و تمنیات افراد فرهیخته آن باشد. در اغلب داستان‌های خمسه حضور پررنگ زنان دیده می‌شود و

مخاطب نه تنها هرگز نمی‌تواند حضور زنان را نادیده بینگارد که شأن و منزلت آنان را همواره درمی‌یابد. این حضور خیلی مهم است. حتی در برخی داستان‌ها کنش‌های داستانی حول محور زن می‌گردد. وی نقش‌های برجسته‌ای نظامی به زنان می‌دهد و مدتی طولانی در بخش‌های مختلف داستان دیده می‌شوند این امر به تثبیت موقعیت آنان در ذهن مخاطب کمک می‌کند. باید گفت کمتر شاعری توانسته چنین نقش‌های جاودانی برای زنان بیافریند.» (همان: ۱۷۵)

نگرش نظامی به ابعاد شخصیتی زن فراتر از بینش جامعه با تفکرات مرد سالارانه است چرا که تأثیرگذاری ادبیات کردی که همواره شخصیتی والا برای نقش زن در جامعه قائل است بر وی به‌عنوان شاعری اخلاق‌گرا دیده می‌شود. «نظامی برخلاف نگرش متداول جامعه با دید باز به شخصیت زن می‌نگریست و او را در برخی خصلت‌های مردپسند خلاصه نمی‌کرد. او زن را شایسته پذیرفتن مسؤلیت در سطح کلان اجتماعی می‌دانست و نه تنها کمتر از مردان تلقی نمی‌کرد بلکه جایگاهی برتر هم بدیشان می‌داد تا با نشان دادن شایستگی‌های خود، بطلان عقیده عمومی در خصوص شکنندگی و ناتوانی خود ثابت کنند. آرا و نظریات او در زمانه خود از نگاهی روشن و پیش‌بین حکایت می‌کند که با جامعه بسته و فتودالی آن روزگار، سنخیت زیادی ندارد؛ بلکه در میان شاعران دیگر نیز نظایر بسیاری برای آن نمی‌توان یافت.» (غنی پور ملک‌شاه ۱۳۹۴: ۱۸۶)

پیشینه تحقیق

در موضوع مورد تحقیق ما مقالات و منابعی یافت شدند که چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم رابطه‌ای با این موضوع دارند از آن میانه می‌توان به منابع زیر اشاره کرد: مقاله بررسی شخصیت زن در شعر نظامی نویسنده زینب نوروزی، دانشیار ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند / مقاله سیمای زن در پنج گنج نظامی نویسنده احمد غنی پور ملک‌شاه و ساجده تیرگر بهنمیری، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران / مقاله عاشقانه‌های کردی نویسنده: محمدرضا برزگر خالقی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین / بررسی عناصر داستانی عامیانه در منظومه‌های نظامی نویسنده: امیر بانو کریمی و مسعود مهدیان انتشار در: مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۱) / بررسی باورهای عامیانه در شرف نامه نظامی زهرا علوی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج/ تأثیر فرهنگ عامه بر شعر رسمی از نرگس اسکویی در پژوهش زبان و ادبیات فارسی: زمستان ۱۳۹۴، دوره، شماره ۳۹/ بررسی عناصر داستانی در خمسه نظامی محمدرضا موحدی - الهه ربیعی مزرعه شاهی. دو فصلنامه تخصصی علوم ادبی ۱۲۶/ پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در شعر نظامی» از فاطمه الهامی، استاد راهنما: غلامحسین غلامحسین زاده رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه: دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۶/ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، جلوه‌های فرهنگ عامه در خمسه نظامی (بررسی مفردات و ترکیبات، استخراج باورهای عامیانه، طب، بازی‌ها، قصص، ضرب‌المثل‌ها، مضامین، تشبیهات و تصاویر و حکمت‌های عامیانه در پنج گنج نظامی) نویسنده: زهرا ربانی، راهنما: تراب چنگی قهرمان، مشاور: اسدالله کفافی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۳۸۴/ بررسی اعتقادات عامه در خمسه نظامی - دانشگاه تربیت معلم تهران دانشجو: سیروس پور قاسمی استاد راهنما: مرتضی میر هاشمی محمود عابدی سال انتشار: ۱۳۸۱/ فرهنگ تحلیلی رمزها و اشارات فرهنگی (آیین‌ها، باورها، علوم چگونگی آلات و ادوات) در خسرو و شیرین نظامی بر پایه‌ی متون سده چهارتا سده هفت کارشناسی ارشد ۱۳۸۹ پدیدآور: میثم حسین خانی استاد راهنما: سعید حمیدیان استاد مشاور: محمدحسن حائری دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

نگاهی به فرهنگ کردی

واژه «کرد» در فرهنگ‌های مختلف به معانی گوناگونی آمده است: اصطخری گوید: شهری بزرگ است در ابرقوه و قصرهای بسیار دارد و آنجا ارزانی است (معجم البلدان) یک مرد از قوم کرد. ج، اکراد (فرهنگ فارسی معین) (۱) چوپان و گوسفندچران را نیز گفته‌اند (برهان) قومی ایرانی و آریایی که در ایران غربی و ترکیه و عراق سکونت دارند. شماره آنان را میان دو تا سه میلیون حدس زده‌اند. کردها علاوه بر نقاط مذکور در خراسان، آسیای صغیر، کیلیکیا و سوریه شمالی نیز سکونت دارند (از حاشیه برهان ج معین) که در این مقاله معنای اخیر منظور است. زبان کردی بسان مؤلفه‌های بنیادین و تأثیرگذار بر ادب پارسی از جنبه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی انعکاس یافته است و همین امر

تفکیک دو فرهنگ را به دلیل انسجام و در هم تنیدگی زبان مشکل می‌نماید. چه بسا این هم خانوادگی تفکیک؛ و جداسازی مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی را ناممکن می‌سازد.

«بی‌شک بررسی پنج گنج می‌تواند به نقش کلیدی زن در زمامداری و حکومت و همین‌طور ساختار اجتماعی عصر آن بینجامد. چون این آثار از منابع موجود در فرهنگ پیشین گردآوری و سروده شده‌اند بنابراین اشعار آن بازتاب فرهنگ ملی و ایرانی ماست.» (صمصام ۱۳۹۵: ۴۴) با نگاهی به نظریات فوق درمی‌یابیم مبنای تفکر و نگرش نظامی به جایگاه زن از ادبیات عامه و فولکلوریک نشأت گرفته و نگرشی متفاوت بدان بخشیده است. پیشینه ادبی در ماهیت فولکلوریک هر زبان زیرساخت شاهکارهای آن زبان است.

«هرگاه سخن از چگونگی و ماهیت نوزایی ادبی به میان می‌آید نمی‌توان عوامل بیرونی ادبیات یعنی دوره تاریخی، شرایط اجتماعی و اثرات آن‌ها را روی نسلی که آن دوره و شرایط را زیسته‌اند و پیشاهنگ تغییرات بوده‌اند نادیده گرفت.» (معرفت، ۱۳۹۵: ۲۰) این دو زبان علاوه بر هم‌جواری تنگاتنگ دارای ریشه و بن‌مایه یکسان زبانی‌اند، نگرش زبان‌شناسانه بر این دو زبان ارتباط نزدیک آن بیانگر این ادعاست تا علی‌رغم تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان‌های دیگر مخصوصاً زبان عربی، در مقابل حفظ اصالت زبان کردی به میزانی که قسمت اعظم واژگان پهلوی، در زبان کردی امروز دارای کاربرد می‌باشند و به تبع آن حفظ اصالت فرهنگی را نیز به دنبال داشته است.

ادبیات و فرهنگ عامه

فرهنگ عامه در دامان ادب شفاهی آن نمود پیدا می‌کند و بسان آبشخوری زلال آثار ادبی زبان را سیراب می‌کند. درواقع این ادب شفاهی است که بنیان شاهکارهای ادبی را پی‌ریزی می‌کند؛ بنابراین اندیشه اولین مرجع برای دریافت ذهنی از مضمون و درک معنای واقعی یک شاهکار ادبی نگرش بر فرهنگ عامه آن و بررسی و جستار در ادب عامه آن است. «ادبیات شفاهی بخش جدایی‌ناپذیر پژوهش ادبی و منبع نخستین بسیاری از موضوع‌ها و انواع ادبی است؛ باین‌حال، مفهوم مزبور در اروپا و به‌ویژه اروپای شمالی محصور ماند. این مفهوم اینک بسان جویباری است که به اقیانوس بزرگ تطبیق‌گری می‌پیوندد.» (الخطیب ۱۹۹۹: ۶۶) این فولکلور و پدیده‌های عامیانه است که ادبیات را می‌سازد. درواقع فولکلور و ادب شفاهی شالوده و بن‌مایه ادبیات مکتوب زبانی است، زین

سبب بسیاری بر این باورند که «آبشخور داستان‌های منظوم با مایه ملی قصه‌های رایج و ضرب‌المثل‌ها است که فولکلور خوانده می‌شود.» (مصطفی رسول ۱۳۸۷: ۵۴) در همین راستاست که تحقیقات بعد شفاهی آثار یک زبان و بررسی‌های ادب پژوهی در دایره فرهنگ عامه اهمیتی دوچندان می‌یابد و ارزش و بهای علمی آن در جهت تبیین ادب مکتوب و بررسی و تحقیق آثار آن بیش از پیش نمایان می‌شود. «ما باید این نظر را بپذیریم که مطالعه فرهنگ شفاهی بخش جدایی‌ناپذیر پژوهش ادبی است، زیرا نمی‌توان آن را از مطالعه آثار مکتوب جدا کرد؛ و بین ادبیات مکتوب و شفاهی پیوسته تأثیر متقابل وجود داشته است.» (ولک، ۱۳۹۰: ۵۴) به همین سبب اینکه شاهکارهای ادبی جهان ریشه در فولکلور محیطی خود دارند. شاید اهمیت این بررسی را دو چندان نماید.

«پژوهش‌های فولکلوریک بر غنای ادبیات مکتوب یک جامعه می‌افزاید تا آنجا که می‌گویند تاریخ ادبیات بدون تدوین و تنظیم ادبیات عامه یا فولکلوریک بی‌معناست. بر این اساس روشنفکران و اهل قلم مسؤولیت سنگینی در معرفی و شناساندن ادبیات قومی خود دارند لازم است با یک برنامه مداوم و منظم این نوع از ادبیات شفاهی را به مردم بشناساند زیرا در هر گوشه ناپیدای این گنجینه غنی حقیقتی تاریخی و اجتماعی نهفته است.» (همان: ۶۷) در واقع این فرهنگ عامه است که چگونگی دل‌بستگی‌ها و آیین‌ها و مراودات اجتماعی و فرهنگی مرسوم در جامعه را به نسل بعد تبیین و منتقل می‌کند. «فرهنگ شفاهی، مجموعه پدیده‌های زبانی و هنری وی، آثار دیرین تاریخی و تمامی موارد شناخته‌نشده و باورهای ملی که بسان میراثی گران‌بها از نسل‌های پیشین به حال منتقل شده است.» (عزیزان ۱۳۹۱: ۱۲) شاید پذیرفتن اینکه ادبیات مکتوب قسمت اعظم هستی خود را از ادب عامه یافته است غیرمنطقی نباشد

ادبیات شفاهی بخش گسترده‌ای از فرهنگ هر ملت است؛ شمول واژه فرهنگ مضامین و نقش و نگارها و تمامی پدیده‌هایی که نشان از خصوصیات دیرین آثار ذهنی یک ملت دارد اما از دیدگاه ادیبان جهان منحصراً آثار شفاهی «ادبیات فولکلور» را شامل می‌شود. آثاری که سینه‌به‌سینه و نسل به نسل منتقل و به خاطر سپرده می‌شوند که حاصل تلاش یا خلاقیت فردی خاص نیست بلکه به‌عنوان

اثر آفریده شده توسط یک ملت شناخته می شود و چهره ساده آن (چه زبان و چه طرز ادای آن آرم و نشان آن ملت یا زبان و دوره تاریخی مختص به خود را دارد.

خانواده نظامی

آنچه مورد اتفاق تمامی کسانی است که درباره نظامی و آثار وی تحقیق می کنند دورگه بودن نظامی است. «نظامی در منطقه اران، شهر گنجه، در سال ۵۳۵ هجری قمری و در خانواده ای سرشناس به دنیا آمده است. نامش الیاس، نام پدرش یوسف و به ظاهر ترک بوده و مادرش هم (رئیسه کرد) بوده است. پس نظامی دورگه بوده و علی رغم معانی متفاوت لغت اکدش شاید هدفش معنی دورگه باشد که در خسرو و شیرین از اکدش بودنش می گوید: نظامی اکدشی خلوت نشین است که نیمی سرکه نیمی انگبین است. اکدش در معنای غالبش به مفهوم دورگه است. با بررسی اشعار نظامی، از آنجاکه در اشعارش با افتخار از مادرش (رئیسه کرد) می گوید و به دایی عمرش که از خانواده های سرشناس کرد بوده اند افتخار می کند بعید است رگه سرکه آمیز نظامی طایفه مادری اش را شامل شود، می توان دریافت که نیم انگبین نظامی رگه کرد اوست.

گر مادر من رئیسه کرد	مادر صفتانه پیش من مرد
از لابه گری که را کنم یاد	تا پیش من آورد به فریاد
زان بیشتر است کاس این درد	کان را به هزار دم توان خورد
با این غم و رنج بی کناره	داروی فرامشی است چاره
ساقی پی بارگیم ریش است	می ده که ره رحیل پیش است
آن می که چو شور در سر آرد	از پای هزار پر در آرد

(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۲)

او اندیشه های مادر و دایی اش را که نشات گرفته از ادب کردی است به گونه ای برجسته در آثار خویش متجلی می نماید به همین سبب فقدان هر کدام از آنان را که محرک و مشوق او در خلق آثارش بوده اند مصیبتی بزرگ می داند. «پس از مرگ دایی اش که مانند مادرش صاحب شخصیتی والا، هنرمند و با استعداد بوده و محرک و مشوق نظامی به شمار می آمده

است با شور و حال خاصی برای او ماتم می‌گیرد و کوچ این شخصیت را چون بلا و دردی بزرگ می‌داند و می‌گوید:

گر خواجه عمر که خال من بود	خالی شدنش و بال من بود
از تلخ گواری نواله‌ام	درنای گلو شکست ناله‌ام
نحلی که به شهر خرمی کرد	آن شهد ز روی همدمی کرد
از شادی هم‌رهان کشد مور	آن را که از او فزون بود زور
می‌ترسم از این کبود زنجیر	کافغان کنم او شود گلوگیر
ساقی ز خم شرابخانه	پیش آر می‌ای چون نار دانه
آن می که محیط بخش کشتی است	همشیره شیره بهشتی است

(همان: ۲۶)

نظامی گنجوی و اقلیم

همان‌گونه که اشاره شد شرایط محیطی و اجتماعی نظامی در پیدایش تفکرات و اندیشه‌های والای اخلاقی وی بی‌تأثیر نبوده است. افراد و اشخاصی که در اطراف وی بوده‌اند و تعلق خاطر شاعر بدان‌ها از جمله علل این‌گونه تفکرات متعالی در وی است. «نظامی در منطقه اران شهر گنجه، در سال ۵۳۵ هجری قمری در خانواده‌ای سرشناس و قدرتمند به دنیا آمده است. نام پدرش یوسف و به‌ظاهر ترک و مادرش هم (رئیس‌ه کرد) بوده است. دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اجدادش (دورگه) بودن نظامی ارائه کرده‌اند. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد» و دکتر بهروز ثروتیان در کتاب «آیین غیب نظامی گنجه‌ای» بر تأثیر روحی زبان مادری (کردی) در متون پنج دفتر شعری نظامی به‌خصوص در متن «لیلی و مجنون» تأکید می‌کنند. و تأکید دارند که نظامی بافتخار از خانواده مادریش و داییش عمر به‌عنوان حاکمی مقتدر، اشرافی سرشناس یاد می‌کند و در لیلی و مجنون برایشان ماتم می‌گیرد.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۲۲)

بر اساس منابع تاریخی و ادبی که در این باره نوشته شده‌اند و تحقیق در متون نظامی (لیلی و مجنون) تا حدی می‌توان روح ناآرام نظامی، خانواده‌اش و تأثیر آن از فولکلور کردی در آن دوران را روشن ساخت.

موقعیت زیست‌محیطی نظامی و نوع فرهنگ در بر گرفته آن موجب پیدایش هنری عالی در آثار اوست. وضعیت جغرافیایی و شرایط اجتماعی آن به‌نوبه خود می‌تواند بخش عظیمی از خلاقیت شاعر را در برگیرد. «شهر گنجه که موطن شاعر بوده است در آن‌سوی رود ارس در استان اران قرار دارد. اران منطقه‌ای سرسبز، پرثمر و آراسته است که مساحتی را بین رودهای ارس و رود کور را در برمی‌گیرد. در گذشته این منطقه پناهگاه توبه‌کاران، خداجویان و جهادگران تندرو و متعصب مسلمان بوده است. چون گنجه در مرزی میان دنیای اسلام و دنیای مسیحیت واقع می‌شده است، از سراسر اسلام و از همه ملل ترک، کرد، فارس، عرب و... در اینجا و برای حفظ قلمرو اسلام و شرکت در جهاد اسلامی در این منطقه جمع می‌شده‌اند. طبیعی بود که در جامعه عقب‌مانده آن دوره زمانی شاعر به طرفداری از زند، زردشت، سنت کهن مغان و حتی بی‌اخلاقی و... متهم شود، اما هرگاه اشعارش را برای جمعی می‌خواند، همانند اشعار سوفوکلس در دادگاه آتن بر مخالفان و منتقدان تأثیری مثبت می‌گذاشت و هنر او مورد تحسین و تشویق قرار می‌گرفت و آن‌ها نیز در مقابل هنر نظامی سر تعظیم فرود می‌آوردند.» (همان: ۲۹)

تعدد نژادها و زبان‌های مختلف در محدوده زندگی شاعر و تنوع علایق و سلاقی هنری آن‌ها موجب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیاری از صفات و خصایص نیکوی اجتماعی در آثارش گردید. «کرد، دیلم، ترک و عرب از چهارگوشه برای به قول خودشان شرکت در جهاد به این شهر آمده بودند و همه نوع اخلاق، آداب و رسوم و سلاقی مختلف را با خود به این شهر آورده بودند. در این میان شمار کردها در مقایسه با ملل دیگر بیشتر می‌نمود و در قدرت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش چشمگیرتری نیز بر عهده داشتند. اران یعنی جای آریایی‌ها و کسانی که زبانی آریایی داشتند که منظور بیشتر کردها و زبان آذری کهن بود - نه ترکی - که در حوزه زبان‌شناسی خود جای بحث دارد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۸)

«نظامی در هفت‌پیکر و شرف‌نامه علاوه بر ثبت وضعیت اجتماعی و جغرافیایی به مسائلی تاریخی و به‌ویژه تاریخ اسکندر پرداخته است. از نظر نظامی در آن زمان، مناطق ابخاز، گنجه، آلان، ارگ، دربند و... همگی به ایران تعلق داشته‌اند. نظامی می‌گوید: در ولایت ابخاز کردی به نام دوالی که در اصل مادی است حاکم بوده و همه ارمنستان تحت سلطه وی قرار داشته است و وی فردی بسیار شجاع، نابغه و رستم آسا بوده است:

در ابخاز کردی است مادی نژاد که از رزم رستم نیارد به یاد
دوالی به نام آن سوار دلیر برآرد دوال از تن تند شیر
دلیران ارمن هواخواه او کمربسته بر رسم و بر راه او
(نظامی، ۱۳۸۰: ۶۸)

اشعار حماسی وی در بیان صحنه‌های نبرد هنرمندی او و بیان شرایط اجتماعی خود را خلاقانه به نمایش در می‌آورد. «در جنگی که میان اسکندر و روس‌ها اتفاق می‌افتد، کردهای ابخاز و ارمنستان تحت فرماندهی دوالی چون دست راست لشکر اسکندر حضور داشته‌اند. اگر این رویداد مربوط به زمان اسکندر هم نباشد محتمل است که در زمان خود شاعر تنها افسانه نباشد، بلکه برهه‌ای تاریخی برای بحث و پژوهش بیشتر است که باید با دقت بیشتری بررسی شود. درباره شجاعت و فداکاری دوالی و کردهای شرکت‌کننده در این جنگ که سپاه دشمن را تحت فشار قرار می‌دهند، این گونه می‌گوید:

ز پولادشان پوشان الماس تیغ به خورشید روشن درآورد میغ
جداگانه از مرکب هر گروه حصاری برآورد مانند کوه
دوالی و گردان ایران‌زمین سوی میمنه گرم کردند کین
(همان: ۶۹)

از نحوه نبرد و قهرمانی آن‌ها استادانه می‌سراید؛ که به گفته نظامی در همین جنگ تن‌به‌تن کردها با ترکیبی از سپاه مهاجم روس، قراخانی، فغفوری، خزرانی و... می‌جنگند و در نهایت دشمنان را شکست می‌دهند و بیشتر سپاهیان دشمن کشته می‌شوند:

دگر ره یکی روسی گربه‌چشم چو شیران به ابرو درآورده خشم
سلاح آزمایی در آموخته بسی درع را پرده بردوخته
به یک ضربتش جان ز تن برکشید به جل برقعش برقع اندر کشید
دگر روسی‌ای بست بر کین کمر همان رفت با او که با آن دگر
(نظامی، ۱۳۸۰: ۵۳)

شاید حکومت سلاطین کرد در منطقه این بستر را برای وی فراهم نموده تا به‌گونه‌ای گسترده از این شرایط محیطی در آثار خویش بهره گیرد.

«در سال ۳۳۳ هجری قمری، بردع که مرکز کهن استان اران بود از طرف دردان دریایی و مهاجمان روسی ویران شده بود. پیش تر هم در سال ۲۴۰ هجری قمری شهر گنجه هم در بین راه بردع- تفلیس بنیاد نهاده شده بود و پس از سالها در همه زمینها رشد و توسعه یافته بود. این شهر به مدت ۲۵۵ سال (۳۴۰ تا ۵۹۵ ه. ق) مرکز حکومت کردها، روادایها، احمدیلیها و شدادیان بوده است. در این مدت که کردها بر گنجه حکومت می‌کردند، در زمینهای بسیاری رشد کرده بود و جمعیت زیادی هم داشت و حتی چون مرزی بازرگانی عمل می‌کرد...» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۶۳) بررسی شرایط محیطی و اجتماعی آن دوران می‌تواند بیانگر اندیشه‌های متأثر از آن باشد. «تاریخ به ما می‌گوید که مدت ۲۵۰ سال حکومت کردها در آذربایجان ایران و شوروی سابق تنها به گنجه محدود نمی‌شد، بلکه سلاطین کرد علاوه بر گنجه برارمنستان، ابخاز، اردبیل و مراغه و... حکومت می‌کرده‌اند و در این دوره زمانی صاحب قدرت سیاسی و فرهنگی بوده‌اند. روادایها در اصل کرد بوده‌اند که در اواسط سده چهارم «آنی» مرکز ارمنستان را در اختیار داشته‌اند و حتی گنجه را هم به قلمرو مرکزی خودشان افزوده بودند. این کردها به دلیل اشتراکات آیینی با ترکان سلجوقی همکاری داشته‌اند و باهم علیه مسیحیان مبارزه کرده‌اند.» (صفا، ۱۳۶۶: ۴۶)

وضعیت فرهنگی منطقه

حکومت کردهای شدادی در گنجه بستری مناسب برای رشد و ظهور شعر و ادب فارسی در آن دوران بود. مکتب ادبی آذربایجان در این دوران که از طرف خاقانی، فلکی شیروانی و مجیر بیلقانی به مرکزیت شروان در حال بلوغ بود تحت تأثیر ابوالعلائی گنجوی قرار داشت و مشاورات ادبی میان پورخطیب گنجوی و مهستی گنجوی و همچنین شاعران و گویندگان دربار سلطان سنجر این گنجه را به مهد رشد فرهنگ و ادب و شعر که در تقسیم‌بندی سبک‌شناسی شعر فارسی به مکتب آذربایجان معرفی شده است، بدل کرده بود. در چنین فضایی نظامی گنجوی نیز نامش بر سر زبان‌ها می‌افتد. علی‌رغم وجود آن همه شاعر، هر کس که به شهر می‌آید و سراغ ملک‌الشعرا شهر می‌گیرد، به سوی خانواده «الیاس فرزند یوسف» اشاره می‌شود. به گفته تاریخ‌نویسان نظامی در این دوران به کنج عزلت خزیده بود به گفته زرین‌کوب: «در این دوران اگرچه هنوز از عمر نظامی ۴۰ سال نگذشته بود اما وقار و هیبت مردی کهن‌سال در گفتار و کردار وی به چشم می‌خورد. در

هنرهای زیبایی‌شناسی و روان‌گویی شعر سبکی والا داشته و کسی نخواست است از او تقلید کند. برخلاف شاعران آن دوران، حتی در قصیده‌سرایی هم که نشانه و نماد سبک شعری آن دوران بود، به مدح و ستایش حاکمان پرداخته است.» (زرین‌کوب ۱۳۷۲: ۱۷)

زن و ادب رسمی

ادب فارسی به دلیل فرهنگ مردسالاری، ادبیاتی مذکر است، به همین سبب زن دارای جایگاهی فرودین نسبت به مرد بوده است. «تاریخ ما به شهادت خودش در طول قرون، به‌ویژه پیش از مشروطیت تاریخی مذکر بوده است؛ یعنی تاریخی بوده است که همیشه ماجراهای مردانه، زور و ستم‌ها و عدل و عطوفت‌های مردانه، نیکی‌ها و بدی‌ها، محبت‌ها و پلشتی‌های مردانه بر آن حاکم بوده است. زنان شاهنامه در مقایسه با مردان شاهنامه در درجه سوم اهمیت قرار دارند جز در لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و هفت‌بیکر تصویری از زن به معنای عمومی کلمه در جاهای دیگر پیدا نمی‌کنید این چهار اثر تنها آثاری هستند که زن به‌ویژه دنیای فردی او به شکلی رمانتیک و البته سخت احساساتی به‌ویژه در نظامی نشان داده شده است.» (براهنی ۱۳۶۳: ۲۵)

فرهنگ مردسالاری در طی قرون متمادی فرهنگ غالب بر ادب فارسی است که همواره شاعران و نویسندگان بر آن اذعان نموده‌اند، چه بسا چهره‌های متفاوتی را برای زن قائل بوده‌اند. «زن در ادبیات کهن فارسی با دو چهره متفاوت نمایان شده است. فراموش نکنیم جامعه ایرانی؛ جامعه‌ای مردسالار بوده است و عرف اجتماعی بر بینش عمومی سایه‌گستر بوده است.» (فخر/اسلام، ۱۳۸۵: ۵۶) و نیز این فرهنگ مردسالار حاکی از دید تحقیرآمیز و منفعل زن در جامعه است. «با نگاهی به ادبیات پارسی اعم از رسمی و یا فرهنگ توده‌ای به‌عنوان منعکس‌کننده تاریخ اجتماعی و فرهنگ ایران درمی‌یابیم که نگاه شاعر به زن یا به‌عنوان معشوق و دلبر و از سر هوس‌بازی و یا با دیدگاهی تحقیرآمیز نگاه به موجودی است ضعیف و ناتوان که سزاوار ترحم و شفقت است» (کدیور، ۱۳۸۱: ۳۸)

زن و فرهنگ کردی

زن در ادبیات کردی از مقام والایی برخوردار است، نظام مادر سالاری در میان کردها شاید در این تفکر بی‌تأثیر نباشد. آثار دیرینه ادب کردی که در میان منظومه‌های کردی

«بیت» متجلی است؛ همواره جایگاهی قابل تکریم برای زن متصور بوده است. «محور قرار گرفتن زن در ادبیات کردها در حقیقت نشانه جایگاه و احترام زن در این فرهنگ است بیت یا منظومه‌های شفاهی و غنائی از غنی‌ترین و کهن‌ترین بخش ادبیات شفاهی در بین کردها است. یکی از انواع مهم منظومه‌های کردی منظومه‌های غنائی و عاشقانه هستند که زن در مرکز این ادبیات قرار دارد. از مهم‌ترین این منظومه‌ها می‌توان به خنج و سیامند، لاس و خزال، مم وزین، شیرین و فرهاد اشاره کرد. در این منظومه‌ها زن، عشق و خانواده به زیبایی توصیف و ستایش می‌شود؛ مثلاً در منظومه خنج و سیامند این‌گونه پایان می‌یابد: زنده و استوار باد رسم و آیین کرمانجی در مورد خواستگاری و شوهر دادن دختران به دلخواه... و این رسمی است بسیار پسندیده و ارجمند که از نیاکان ما برای ما به یادگار مانده است.» (بوییان مرکزی، ۱۳۷۴، ۳۵) علی‌رغم هم‌جواری ادب کردی با فرهنگ‌های مختلف همسایه که بر اساس دیدگاه‌های نرینه و مردسالاری به مقوله زن می‌نگریستند. زن همانند قهرمانی در ادب غنائی و حماسی کرد متجلی می‌گردد و در بسیاری از داستان‌ها نقش اول را ایفا می‌کند. «مشخصه دیگر بیت‌های کُردی، حضور زنان به‌مثابه قهرمان داستان در کنار مردان است اصولاً قهرمان زن بیت‌های کُردی، تحت سیطره و حتی در سایه مرد نیست، بلکه به موازات او حرکت می‌کند و در سراسر داستان حضوری فعال دارد و صدای او شنیده می‌شود گاهی اوقات، برخی منظومه‌ها صرفاً به موضوع یک زن متمرکز شده‌اند و قهرمان داستان زن است زن کُرد در این بیت‌ها، سنت‌شکن، شامخ و داناست او در ارتباط با مرد، معشوق و منفعل و پرده‌نشین نیست، بلکه گستاخ و عاشق است.» (فروزی، ۱۳۸۷: ۴۸)

مقام زن کرد از نظر مستشرقان و سیاحانی که به کردستان آمده‌اند مورد توجه بوده است. تقریباً همه آن‌ها به جایگاه والای زن بین کردها اذعان نموده‌اند. واسیلی نیکیتین مستشرق معروف در کتاب خود بخشی را به جایگاه زنان بین کردها اختصاص داده است و از شخصیت اجتماعی زنان کرد، ازدواج دلخواه، قدرت سیاسی اجتماعی و اهمیت و ارج و مقام آنان در خانواده یاد می‌کند و می‌نویسد: «با اینکه ساختار خانواده کرد بر مبنای اصل پدرسالاری است، بعضی از آداب و رسوم بازمانده از دوران مادر شاهی در میان کردها معمول بوده و هنوز باقی است.» (نیکیتین، ۱۳۳۴: ۸۴) بسیاری از مستشرقین بر نقش فعال

زنان کرد در انجام امورات اجتماعی تأکید دارند. «بسیاری از مسائل سیاسی قبایل و طایفه‌های کردها را زنان بر عهده داشتند یا آنکه نقش عمده‌ای در اداره امور طایفه داشتند. در مناطق ویژه‌ای از کردستان، حکمرانی زنان در واقع امری رایج بود و در منابع تاریخی عثمانی‌ها به این موضوع به صراحت اشاره شده است.» (وان برونسن ۱۳۸۴: ۳۸)

مینورسکی نیز به جایگاه زن و ارزش آن را در جامعه در بین کردها می‌پردازد و می‌نویسد که: «زن بین کردها ارزش والاتری در جامعه نسبت به دیگر کشورهای همسایه و مسلمان آن دارد.» (مینورسکی ۱۳۷۹: ۴۸) و بر تأثیرگذاری نقش زنان در پیشبرد امور اجتماعی تکیه دارند. «در گذشته زنان در جنگ‌های خونین پادرمیانی می‌کردند و سران قبایل احترام خاصی برای زنان قائل بودند. به نظر می‌رسد رسم «خون بس» نیز به نوعی نشانه‌ای از احترام و صلحی است که زنان برای طوایف به ارمغان می‌آوردند. شرکت در جنگ‌ها و امور اجتماعی و عشیره‌ای بخشی از آزادی اجتماعی و نفوذ زنان کرد بوده است.» (رستمی نژادان ۱۳۹۷: ۴۵)

نظامی، زن و فرهنگ عامه

نظامی شاعری اخلاق‌گراست به همین علت آموزه‌های متعالی مادر به دلیل وابستگی عاطفی بر اندیشه وی می‌توانسته سایه بیندازد؛ بنابراین نظامی می‌توانسته از محدود شاعرانی باشد که نه تنها فاقد تفکر مردسالاری بوده که همواره با دیدی قابل احترام و والا به زن نگریده است. هویتی که نظامی برای زن به عنوان یک انسان در نظر گرفته، هویتی درخور توجه است؛ زیرا وی برخلاف دیدگاه مردم عصرش که زن را فقط به دلیل زن بودنش محکوم می‌دانستند، «هویتی والا برای زنان در نظر گرفته است.» «جنبه‌های مثبت در کار نظامی، در رویارویی با زنان بیش‌تر از جهات منفی و محدودیت‌های مرسوم آن زمان علیه ایشان است. در واقع نگاه نظامی به زن، در یک جامعه مردسالار، مخالف با باورهای ابناء زمان است.» (بیگدلی ۱۳۶۹: ۶۸) آنچه در آثار نظامی از زن متصور است نکات برجسته و نیک زن در روابط اجتماعی است «وی علاوه بر توصیف زیبایی و جذابیت ظاهری زنان قصه‌هایش، یک سیر صعودی و متعالی برای ایشان متصور می‌شود که تأثیر آن در کل داستان، غیرقابل انکار است. نظامی به گونه دیگر به زنان می‌نگرد: شخصیت‌های زن آثار او سوای اینکه تمثیل‌های الهی هستند، هرگز نقاب خالی نیستند. در

زنجیره صعودی دنیای او، واقعیت‌های مرئی زنان، بی‌گمان زیبایی والای الهی را منعکس می‌کنند.» (بری ۱۳۸۵: ۱۲)

نوع نگرش نظامی به زن برگرفته از مقام والای زنی است که ابتدا در نقش مادر و سپس در مقام معشوق در وی متجلی می‌شود؛ و همین امر خمیر مایه دیدگاه او و ارجمندی زن در آثارش می‌شود. «نظامی، زنان را مکمل هویت مردان دانسته؛ از این رو در کنار هر قهرمان مرد، این مظهر زیبایی را قرار داده تا نقش تربیتی و انسان‌سازی خود را در مورد مردان ایفا کند. دیدگاه او نسبت به زن، با دیگر معاصرانش تفاوت فاحشی دارد؛ زیرا در داستان‌های او زنان نقش قهرمان، اصلاح‌گر و آگاه از حقایق را بازی می‌کنند و به تربیت و اصلاح مردان می‌پردازند، چنانکه شیرین، خسرو را با مفهوم عشق و وفاداری و هفت‌دختر شاهان هفت‌اقلیم، بهرام‌گور را با حقیقت حیات و لذاپذ روحانی آشنا می‌سازند. یا لیلی علیه سنت‌های غلط جامعه طغیان می‌کند و زیر بار آن نمی‌رود و نوشابه نیز آرمان‌شهر زنان را بنیان می‌نهد. انتخاب قهرمان اصلی داستان‌هایش از میان زنان، نشانه اهمیت و عنایتی است که به تأثیر سازنده آنان می‌دهد و در قسمت به پادشاهی نشستن شیرین زنان را شایسته اداره مملکت و تکیه دادن بر بالاترین جایگاه حکومت می‌داند.» (طغیانی و حاتمی ۱۳۷۷: ۲۶)

زن در آثار نظامی جلوه‌ای برجسته می‌یابد و نقش وی در داستان‌های منظوم پررنگ می‌گردد. حرمت زن به گونه متفاوت از دیگر شعرای پارسی‌گو دارای قداست خاص خود است. «در اغلب داستان‌های خمسه حضور پررنگ زنان دیده می‌شود. آنان اغلب ارجمند و باشکوه‌اند و مخاطب نه تنها هرگز نمی‌تواند حضور زنان را نادیده بینگارد که شأن و منزلت آنان را همواره در می‌یابد. این حضور خیلی مهم است. حتی در برخی موارد کنش‌های داستانی حول محور زن می‌گردد و آنان نقش‌های اول داستان را دارا هستند. اگر هم نقش‌های زنان فرعی باشد، آنان شخصیت‌های مستقلی هستند که در عملکرد مردان داستان تأثیر می‌گذارند.» (نوروزی ۱۳۸۷: ۱۷۵)

در منظومه‌های کردی نیز برجستگی نقش زن به خوبی نمایان است و ارج و بزرگواری زنان در متن روایت به وضوح مشاهده می‌شود. به همین سبب در بسیاری از منظومه‌های عامیانه خصوصاً منظومه والای مم و زین نقش اصلی ماجرا بر عهده زنان است. تلاش

نظامی در دادن ارزش به زن، همشان یا حتی بالاتر از مرد تا جایی ادامه می‌یابد که وی زنان را هم آمادهٔ تبدیل شدن به یک تیپ می‌کند؛ به‌عنوان مثال در خلق تمثال «شیرین» چنان هنرنمایی می‌کند که این شخصیت مورد علاقهٔ شاعر در آخر تبدیل به سالکی می‌گردد که جان در راه عشق فدا می‌کند. «نگرش آرمانی نظامی به زنان در واقع صرف‌نظر از تلقی عرفی و سنتی ایشان، موجب بازآفرینی آرمانی‌شان شده و آن‌ها را مثل اعلای خلقت ساخته است؛ طوری که زن در این نگرش، مربی، مادر، سیاستمدار و حکیم هست و حتی برخی از صفات مردان را هم داراست.» (جویدی نعمتی، ۱۳۸۰، ۵۶) همین مسأله باعث می‌شود که ما در آثار نظامی کمتر زن را در نقش منفی ببینیم و یا از بعدی ناهمگون بدان نگریسته شود. «در داستان‌های مخزن‌الاسرار زنان از نوع پیرزن هستند و در دو مقاله (حکایت چهارم و حکایت هیجدهم) از آن‌ها بدون ذکر نام یاد می‌شود که آن دو نیز به‌عنوان چهره‌های مثبت یاد شده‌اند.» (موحدی و ربیعی مزرعه شاهی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) چنین بینشی در مورد زن، با وجود خفقان حاکم بر زمان حیات شاعر قابل تقدیر است؛ زیرا نظامی با شجاعت تمام از معاصران سنت‌گرا پا فراتر گذاشته و می‌گوید:

زن آن به که زیور کشد پای او نه زن دان که زندان بود جای او

(نظامی، ۱۳۸۷: ۴۳)

تعالیم معنوی محیطی و تأثیر آن بر نظامی موجب نگرش متفاوت وی به زن نسبت به سایر شعرای فارسی‌زبان می‌گردد و همین امر شیوه بیان وی را خاص می‌نماید. در منظومه خسرو و شیرین «نظامی، فرجام تأثیر وفای شیرین را بر تحول شخصیت او نشان می‌دهد؛ بدین گونه که چون در اثر شدت درد و خونریزی عطش بر خسرو مستولی شد، خواست شیرین را بیدار کند و از او جرعه‌ای آب بخواهد؛ اما با خود گفت که هست این مهربان، شب‌ها نخفته اگر بیدارش کنم و این وضعیت را ببیند، دیگر نمی‌تواند بخواهد؛ پس به تلخی و تشنگی جان می‌دهد و او را بیدار نمی‌کند.» (غنی‌پور ملک‌شاه، ۱۳۹۴: ۱۹۲)

آنچه در داستان‌های خمسه نظامی جلوه می‌کند این ارجمندی و بزرگواری زن است که خود را می‌نمایاند که منزلتی خاص بدان می‌بخشد. «پایان داستان، به یمن وفاداری شیرین از حیث قوت تأثیر با همه داستان که خود نیز پر از شور و زیبایی است، برابری می‌کند و هیجان آن را به‌غایت می‌رساند.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۱۹۷) و برخلاف قوالب کلیشه‌ای ادب

جهانی که الهه عشق به دنبال نابودی عاشق خویش است. این الهه در منظومه مم و زین کردی، جان خود را فدای آن می‌کند. گویی پایان آن‌ها با خسرو و شیرین یکی است: «پس از مرگ خسرو، شیرویه از شیرین خواستگاری کرد؛ شیرین او را به وعده دل‌خوش ساخت و در تشییع خسرو چنان خود را آراست و پیشاپیش جنازه رفت که گمان کردند از مرگ خسرو غمگین نیست. چون به دخمه رسیدند، به درون رفت و در را بست. دهان زخم او را بوسید و درست همان جای زخم را به همان‌سان در تن خویش با دشنه درید، سپس خسرو را در آغوش کشید و دوش بر دوش؛ چنان‌که تنش با تن او پیوست و روحش با روح او.» (جودی نعمتی ۱۳۸۰: ۱۲۹) نظامی اخلاق را جایگزین ناهنجاری‌های متداول انتظارات داستانی مرسوم می‌کند و نقش زن را نقشی وفادارانه و به دور از پلشتی‌ها رقم می‌زند. «خودکشی شیرین، بدین گونه هوس‌نامه را به وفانامه تبدیل کرد و سرگذشت عاشق و معشوق را در عفت و حرمت عاشقانه پایان داد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۱۹۷)

در منظومه مم و زین کردی نیز پس از فوت مم عاشق زین معشوقه او نیز بر مزار وی رفته و از دنیا می‌رود. زین بادلی شکسته و پر از غم نزد برادرش میر زین‌الدین رفت اینک برادر پشیمان و سرافکنده است زین به او گفت برادر من نیز باید به دلدادهم پیبندم ولی از شما یک درخواست دارم و آن این است که شما بایستی پس از مرگم یک مراسم عروسی برای من و مم که دیگر در این فانی نیستیم همانند مراسم عروسی تاژدین و سستی برگزار کنید. سپس به سر قبر معشوقش رفت و خود را بر سر قبر مم انداخت آن‌قدر گریه و زاری کرد تا او نیز از دنیا رفت. فرهنگ ایرانی نه تنها در منظومه‌های غنائی که در اشعار عارفانه نیز از توصیف زیبایی معشوق دور نمی‌شود و همین زیبایی مجازی است که به کمک توصیف معشوق حقیقی می‌آید. پس زیبایی در ضمیر ایرانی اولین دلیل عشق‌ورزی است. مثلاً در منظومه خسرو و شیرین، اولین بارقه‌های عشق در وجود خسرو نسبت به شیرین، با وصف جمال او از زبان شاپور پدید آمد:

پری‌دختی، پری بگذار، ماهی	به زیر مقنعه صاحب کلاهی
شب‌افروزی چو مهتاب جوانی	سیه‌چشمی چو آب زندگانی
کشیده قامتی چون نخل سیمین	دو زنگی بر سر نخلش رطب چین

(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۶۰)

همین شیوه وصف جمال و بیان شاعر را در زیبایی و پاک‌ی زن در داستان منظوم مم و زین می‌یابیم.^(۱)

بر پایه موارد ذکر شده می‌توان گفت که شرایط جغرافیایی و فرهنگی یک اجتماع بر نوع نگرش افراد آن جامعه تأثیرگذار بوده و می‌تواند مبنای فکری آنان در خلق آثار هنری باشد. اندیشه نظامی نیز بر همین مبنا از فولکلور جامعه آن روزی خود نشأت گرفته و همین امر باعث نگرش وی برخلاف شاعران هم‌دوره‌اش بوده است؛ و می‌توان ادعا کرد که هنر نظامی از فرهنگ و ادبیات شفاهی کردی نیز اثر پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با بررسی اشتراکات و واکاوی نقاط مشابه اصطلاحات و عناصر شیوه‌های مضامین فرهنگی، به زوایای فرهنگ ادبیات دو مجموعه ادبی معین پرداخته که با بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی منجر به قوت گرفتن نظریه تأثیرپذیری نظامی از فرهنگ شفاهی ادب کردی شده است. اینکه سراینده این منظومه‌ها به هنگام شخصیت‌پردازی به ساخت چه تیپ افرادی توجه و علاقه دارد و اساساً به چه تیپ‌های اجتماعی، عنایت بیشتری دارد و نه اینکه در صحنه‌پردازی‌ها، چه فضاهایی می‌آفریند و خلق این فضاها، چه کمک‌هایی به روند داستان می‌کند، بی‌شک در شناخت اندیشه سراینده و پیش‌زمینه‌های آثار او، مؤثر خواهد بود. همچنین این تحلیل و نگرش موجب می‌شود که خواننده این آثار ابتدا بر شیوه‌های مؤثر فرهنگ‌عامه بار اشعار نظامی وقوف بیابد و سپس در تحلیل اشعار به مسیری رهنمون شود که بتواند به راحتی نگاهی کلی و ساختارگرایانه به کلیت اثر و اجزای تشکیل‌دهنده آن (مضامین موجود در منظومه‌ها) بیندازد. نظامی همانند شاعری متفاوت به مقوله زن در جامعه می‌نگرد و در واقع آثاری متمایز از شاعران ایرانی خلق می‌کند.

پی نوشت

۱ - دمنروانی نهگهر لهسهر روانگا دوو روژرت نهدی بهدموری مانگا
 بهک پیاوی دهکوشت به چاوی مهستی نهو ناوی نرابوو خاتوو نهستی
 ئیدی له دل و ههناوی میر بوو نهو ناوی له ناوی میر بوو
 بهک ناوی جوانی کهوته شاران گیانی بوو ئیتر له کوری یاران
 بهک گهندهمی و بهکی زهری بوو بهک چهشنی فریشته بهک پیری بوو
 کهنگی پیری و فریشته وا بوون نهم جووته له روشنی خودا بوون
 ههگیز کهسی جوانی وای نهدیوو نهمزانی ههوتنی وان له چی بوو
 لاجانگ وهکوو زئوو چانگه وهک سنوو
 (خانی ۲۰۱۰) ناونگی له ناوی ژین لهسهر لنوو
 آوانگاری:

*DŪ rojt adi ba dawrî manga datrovani egar le ser rovanga
 Aw nawi nrabou xatoun asti yak piawi dakošt ba Çawi masti
 aw nawi la nawi mer BŪ eidy la Dilo hanawi mer bou
 Giani bŪ eitr la koru yaran yak nawi jowanî kawta Şaran
 Yak Çaşni frišta yak pari bŪ yak gandami o yakey zari bŪ
 Am jŪta la roşni xoda bŪn kenge pari o frišta waboun
 Namzani haweni wan la Çi bŪ Hargis kase jowanî way nadibŪ
 Awnge la awi zin la sar lèw Lajang wakou zêw Çenaga wak sêw
 Xani*

برگردان: اگر به آنها می‌نگریستی دو خورشید دور ماه می‌دید. یکی استی نام آدمی با
 چشم مستش می‌کشت. آن یکی دردانه شاه، نامی شاهانه داشت. شاید بدان‌ی نامش زین بود؛
 که دیدن زیبایی‌اش بهت آور بود؛ که آوازه زیباییش در شهرها پیچیده، در جمع یاران
 صمیمی. یکی گندمی دیگری طلایی بود، یکی فرشته‌خو دیگری پری. کی فرشته و پری این
 گونه بودند که از نورالهی بودند. کسی زیارویی اینچنین ندیده که از چه سرشته‌اند. سیم گونه،
 زنج سبب و آب حیات بر لب.

منابع (الف) کتاب‌ها

- ایوبیان مرکزی، عبیدالله، (۱۳۷۴) چریکه خج و سیامند، تهران: فرجام.
- الخطیب، حسام. ۱۹۹۹ آفاق الأدب المقارن عربياً و عالمياً. دمشق: دارالفکر.
- براهنی، رضا، (۱۳۶۳) فرهنگ حاکم و فرهنگ محکوم، تهران: نشر اول.
- بری، مایکل، (۱۳۸۵) تفسیر مایکل بری بر هفت‌پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- بن خلف تبریزی. محمدحسین ۱۳۹۳ برهان قاطع، مترجم محمد معین، تهران: امیرکبیر
- بیگدلی، غلامحسین، (۱۳۶۹) چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی، تهران: انتشارات آفرینش.
- ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۴) آینه غیب نظامی گنجه‌ای، تهران: سمت.
- ثروتیان، بهروز، (۱۳۶۳) لیلی و مجنون، تهران: توس.
- جودی نعمتی، اکرم، (۱۳۸۰) زن در آیین شعر فارسی، مطالعات راهبردی زنان.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲) پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، تهران: مهارت.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۶) تاریخ ادبیات ایران، تهران: سمت.
- معرفت، انور، (۱۳۹۵) سرآغاز شعر نو کردی و تحول فرم‌های آن، سقز: نشر گوتار.
- معین. محمد ۱۳۸۲ فرهنگ فارسی ناشر: فرهنگ نما، کتاب آزاد محل نشر: تهران.
- مصطفی رسول، عزالدین ۱۳۸۷. پژوهشی در فولکلور کردی. ارومیه: صلاح‌الدین.
- مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۷۹) کرد، ترجمه: حبیب‌الله تابانی، تهران: گستره.
- یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی شهاب‌الدین ابو عبدالله ۱۳۹۷ - ۱۹۹۳ معجم البلدان ناشر: دارصادر.
- نظامی، یوسف بن الیاس، (۱۳۸۷) خمسه نظامی با کشف الایبات بر اساس چاپ مسکو، باکو، تهران: انتشارات هرمس.
- نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۰) شرف نامه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- نیکیتین، واسیلی، (۱۳۳۴) کرد و کردستان، ترجمه: محمد قاضی، تهران: نیلوفر.
- وان برون، مارتین، (۱۳۸۴) زنان در مقام رهبران سیاسی در تاریخ کرد، ترجمه: حمزه محمدی، مریوان: زریبار.
- ولک، رنه. ۱۳۹۰ نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: نشر نیلوفر.

(ب) مقالات

- افروزی، بایز، (۱۳۸۷) ادبیات شفاهی کردستان، چیستا، شماره ۱۶۶ و ۱۶۷
- رستمی نژادان، دیانا و منصور، منصور، (۱۳۹۷): جایگاه الهه مادر در فرهنگ مردم کردستان، زن در فرهنگ و هنر، ص ۲۸
- فخر اسلام، بتول، (۱۳۸۵) زن در ادبیات کهن، نشریه دانشگاه آزاد نیشابور، ص ۵۴
- عزیزان، امیر (۱۳۹۸). «اهمیت حفظ فرهنگ ملی و تأثیر زبان مادری بر آن.» دانشگاه کردستان.
- غنی پور ملک‌شاه، احمد؛ تیرگر بهنمیری، ساجده؛ سیمای زن در پنج گنج نظامی. ۱۸ صفحه - از ۱۸۱ تا ۱۹۸
- کدیور، جمیله، (۱۳۸۱) زن. تهران: انتشارات اطلاعات ص ۳۴
- مصمصام حمید، (۱۳۹۵). نقش زنان در خمسه نظامی سال انتشار محل انتشار: کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات ص ۴۴

- طغیانی، اسحاق و حاتمی، حافظ، (۱۳۷۷) «رابطه اخلاق و ادبیات با رویکردی به آثار نظامی گنجهای»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره دهم
- نوروژی، زینب. کرمی، محمدحسین. (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی پیایی ۲۱، ۶. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان شماره ۲۴ : ص ۱۷۶-۲۰
- نوروژی زینب (۱۳۸۸)، بررسی شخصیت زن در شعر نظامی ۲۸. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان ص ۱۷۶-۲۵
- موحدی، محمدرضا و الهه ربیعی مزرعه شاهی، (۱۳۹۰) بررسی عناصر داستانی در خمسه نظامی، فصلنامه تخصصی علوم ادبی ص ۳۶

